AP

نگاهی به تغییر مناسبات بین الملل در حوزه انرژی پس از گردش عربستان به شرق

نظم جهانی نفت خام در حال تغییر است

۲۰۲۳
میلادی

روابط عربستان‌سعودی با چین در سال ۲۰۲۳ در زمینه‌های مختلف به ویژه حوزه انرژی تقویت شده است

روندکاوی

احمد فاضل‌زاده
دکترای روابط بین الملل

نیکلای شولگینوف، وزیر انرژی روسیه اخیراً گفته بود کشورش اکنون توانسته تمام صادرات نفت خام خود را که تحت‌تأثیر تحریم‌های غرب قرار گرفته است، به کشورهای «دوست» هدایت کند. شولگینوف گفت: «امروز می‌توانم بگویم که ما توانستیم مسیر کل حجم صادرات تحت‌تأثیر تحریم را به طور کامل تغییر دهیم؛ هیچ کاهشی در فروش مشاهده نشده است.» این اظهارات در کنار خبری که این روزها منتشر شد، اهمیت زیادی پیدا می‌کند؛ عربستان‌سعودی و دیگر تولیدکنندگان بزرگ نفت روز یکشنبه از کاهش غیرمنتظره تولید طلای سیاه به میزان ۱.۱۵ میلیون بشکه در روز از ماه مه تا پایان سال خبر دادند؛ اقدامی که می‌تواند قیمت‌ها را در سراسر جهان افزایش دهد. این اتفاقات احتمالاً خبر از تغییر نظم جهانی نفت خام می‌دهد. وب‌سایت فوربس به تازگی در تحلیلی که به نام دیوید بلکمون منتشر کرده به این موضوع پرداخته است. در مطلب حاضر بخش‌هایی از این تحلیل را می‌خوانید.

شماری از کشورهای مهم در صف پیوستن به بریکس قرار دارند

تردیدی وجود ندارد که اعضای روسیه در ائتلاف بریکس (متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) که به طور فزاینده‌ای از خود نفوذ نشان می‌دهند، نقش مهمی در کمک به روسیه برای مقابله با غرب ایفا کرده‌اند. هند بزرگ‌ترین خریدار نفت خام اورال در ماه مارس بود که تقریباً ۵۰ درصد از کل این صادرات را به خود اختصاص داد. الکساندر نواک، معاون نخست‌وزیر روسیه اخیراً اظهار داشته که فروش نفت روسیه به هند طی سال گذشته ۲۲ برابر شده است.

در گزارش دیگری که رویترز در اوایل ماه مارس منتشر کرد، آمده است که براساس داده‌های ردیابی کشتی‌ها، واردات نفت خام روسیه از طریق دریا به چین در ماه مارس به بالاترین حد خود می‌رسد. در این گزارش آمده است شرکت‌های مشاوره ردیابی نفتکش‌های Vortexa و Kpler تخمین زده‌اند که نزدیک به ۴۳ میلیون بشکه نفت خام روسیه شامل حداقل ۲۰ میلیون بشکه ESPO Blend و ۱۱ میلیون بشکه اورال در ماه مارس به چین می‌رسد.» این رقم یعنی میزان انتقال از بالاترین سطح قبلی ۴۲٫۴۸ میلیون بشکه‌ای که در ژوئن ۲۰۲۰ ثبت شده بود، فراتر می‌رود.

این همسویی جدید میان کشورهای بریکس در حمایت از تجارت نفت خام روسیه تعجب‌آور نیست، زیرا هیچ‌یک از کشورهای عضو روسیه حمایت از تحریم‌هایی را که عمدتاً توسط دولت‌های جهان غرب اعمال می‌شود، انتخاب نکرده‌اند. این گروه که سال ۲۰۰۱ به‌عنوان یک اتحاد تجاری ضعیف میان اقتصادهای در حال توسعه سریع برزیل، روسیه، هند و چین آغاز شد و آفریقای جنوبی را در سال ۲۰۱۰ به عضویت خود اضافه کرد، از آن زمان همواره خود را به‌عنوان یک جایگزین ژئوپلیتیکی برای G7 (شامل ایالات‌متحده، ژاپن، ایتالیا، کانادا، آلمان، فرانسه، بریتانیا و اتحادیه اروپا) قرار داده است.

برای مثال سال ۲۰۱۴ بریکس ۵۰ میلیارد دلار از منابع اولیه را در راستای ایجاد بانک توسعه جدید به‌عنوان جایگزینی برای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول استفاده کرد. در همان زمان این گروه همچنین چیزی را ایجاد کرد تا از اعضایی که در تلاشند تعهدات بدهی خود را انجام دهند، حمایت کند.

نالدی پاندور، وزیر خارجه آفریقای جنوبی در مصاحبه اخیر خود با WION News گفت او و رهبران دیگر کشورهای بریکس علاقه زیادی از سوی دیگر کشورها به این ابزارهای مالی دریافت کرده‌اند. پاندور با بیان اینکه در حال حاضر ۱۲ نامه از این کشورها روی میز خود دارد، نام چند کشور را هم ذکر کرد؛ «عربستان‌سعودی یکی از این کشورها است؛ امارات‌متحده‌عربی، مصر، الجزایر، آرژانتین، مکزیک و نیجریه هم در این لیست قرار دارند.»

عربستان‌سعودی گرایش پررنگی به شرق پیدا کرده است

هیچ کشوری به اندازه عربستان‌سعودی در ماه‌های اخیر علاقه بیشتری به تجارت با گروه بریکس نشان نداده است. در ماه مارس سال گذشته، وال استریت ژورنال گزارش داد پادشاهی سعودی در حال مذاکره با چین در مورد امکان انجام بخشی از فروش نفت خود با استفاده از یوان چین به‌عنوان ارز بوده است. چنین اقدامی نظم پیشین جهانی نفتی را که از سال ۱۹۷۳ از دلار امریکا یا «پترو دلار» به‌عنوان ارز مارک برای تجارت بین‌المللی نفت استفاده می‌کرد، مختل خواهد کرد.

اخیراً در مجمع جهانی اقتصاد در داووس که در ژانویه برگزار شد، محمد الجدان، وزیر دارایی عربستان به خبرنگاران گفت که کشورش برای تجارت با ارزهایی غیر از دلار امریکا باز است. الجدان گفت: «هیچ مشکلی در مورد بحث درباره نحوه تسویه توافقات تجاری خود، خواه به دلار امریکا، یورو یا ریال سعودی باشد، وجود ندارد.»

روابط عربستان‌سعودی با چین در سال ۲۰۲۳ در سایر زمینه‌ها هم تقویت شده است؛ یکی از نشانه‌های اصلی این روابط روبه رشد، انتشار اخباری در اوایل ماه مارس مبنی بر موافقت پادشاهی عربستان با برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با رقیب دیرینه‌اش ایران پس از مذاکراتی بود که به میزبانی چین انجام شد.

در حالی که به نظر می‌رسید این اقدام نشان‌دهنده نفوذ فزاینده چین در منطقه خاورمیانه است، جان کربی، سخنگوی امنیت ملی دولت بایدن بشدت از این ایده که همزمان نفوذ ایالات‌متحده در حال کاهش است، عقب‌نشینی کرد. کربی به خبرنگاران گفت: «من با قاطعیت از این ایده که ما در خاورمیانه عقب نشینی می کنیم، عقب نشینی می‌کنم.» همچنین کربی افزود که عربستان‌سعودی مقامات بایدن را در جریان پیشرفت مذاکرات قرار داده است.

همکاری های اقتصادی عربستان‌سعودی با چین ادامه دارد. پادشاهی سعودی اخیراً دو قرارداد جدید جداگانه را اعلام کرده که منجر به عرضه روزانه ۶۹۰ هزار بشکه نفت به چین می‌شود. گلوب‌اندمیل گزارش داده که این دو توافقنامه بزرگ‌ترین قراردادهای اعلام شده از زمان سفر رسمی شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین به ریاض در دسامبر گذشته برای رسمی کردن روابط پررونق کشورش با آل‌سعود بوده است.

یکی از پیش‌بینی‌هایی که می‌توان داشت، این است که در نشست سالانه ائتلاف بریکس که در سپتامبر آینده برگزار می‌شود، عربستان رسماً به‌عنوان عضو جدید آن ائتلاف پذیرفته شود. شکی نیست که این وقایع و سایر رویدادها سیگنال‌های اولیه‌ای برای تغییر نظم جهانی هستند. نظم جهانی پیشین در رابطه با نفت، از مدتی قبل از بین رفته است و باید نظم جهانی جدیدی را برای آن متصور بود؛ نظمی که به سرعت در حال ظهور است. پیامدهای این نظم جدید در حال ظهور، در حال حاضر محسوس است و در ماه‌های آینده به طور فزاینده‌ای آشکار خواهد شد.

> یکی از پیش‌بینی‌هایی که می‌توان داشت، این است که در نشست سالانه ائتلاف بریکس که در سپتامبر آینده برگزار می‌شود، عربستان سعودی رسماً به‌عنوان عضو جدید آن ائتلاف پذیرفته گردد

الجزیره

برش

• هیچ کشوری به اندازه عربستان‌سعودی در ماه‌های اخیر علاقه بیشتری به تجارت با گروه بریکس نشان نداده است. در ماه مارس سال گذشته، وال استریت ژورنال گزارش داد پادشاهی سعودی در حال مذاکره با چین در مورد امکان انجام بخشی از فروش نفت خود با استفاده از یوان چین به‌عنوان ارز بوده است. چنین اقدامی نظم پیشین جهانی نفتی را که از سال ۱۹۷۳ از دلار امریکا یا «پترو دلار» به‌عنوان ارز مارک برای تجارت بین‌المللی نفت استفاده می‌کرد، مختل خواهد کرد.

ایرنا

گزارش تحلیلی «ایران» از ۱۳ سال سیاست عربستان سعودی در خاورمیانه

بازگشت به آغوش منطقه

> عربستان در طول جنگ ابتدا با ترس از انقلاب ایران سیاست محافظه کاری را ادامه داد. پس از آزاد سازی خرمشهر حمایت های مالی خود را از عراق بیش از گذشته کرد. با پایان جنگ، عربستان روال گذشته خود را ادامه داد اما وقوع تحولات بهار عربی یک تغییر پارادایمی در سیاست خارجی این کشور ایجاد کرد

سیاست پژوهی

عماد هلالات

رژیم‌های حاکم در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در تقسیم بندی سیاسی نوع حکومت، جزو بازیگران سنتی محافظه کار قرار می‌گیرند. این کشورها توسط یک خاندان یا یک قبیله اداره می‌شوند و با فوت حاکم، فرزند یا یکی از بستگان درجه یک وی بر تخت حکومت می‌نشیند. نام‌گذاری این کشورها به نام‌هایی چون پادشاهی، امارت و سلطانی گواه این امر است که این کشورها دارای یک نظام سیاسی بسته‌اند. در رأس این کشورها پادشاهی عربستان سعودی قرار می‌گیرد که به عنوان رهبر اصلی شورای همکاری خلیج فارس و حتی در سال‌های اخیر با افول بازیگران سنتی جهان عرب، خود را به عنوان رهبر جهان عرب معرفی کرده است.

دولت سعودی در سه دوره تأسیس خود همواره سیاست محافظه کارانه را در پیش گرفت و با تکیه بر اقتصاد نفتی، به عنوان بازیگری مهم برای تأمین انرژی در بازارهای جهانی مطرح بود. عربستان سعودی از زمان تشکیل پادشاهی توسط عبدالعزیز بن سعود، خود را از تنش‌های منطقه‌ای و جنگ‌های معاصر بخصوص جنگ‌های اعراب و اسرائیل دور کرد. هرچند عربستان سعودی اسرائیل را در زمان تشکیل آن به رسمیت نشناخت، اما وارد نزاع و جنگ با این رژیم نشد. عربستان سعودی در برهه‌هایی از نبرد اعراب با اسرائیل از دو ابزار خود به عنوان اهرم فشار استفاده کرد: یکی کمک مالی به سوریه و اردن و دیگری کاهش تولید نفت.

عربستان با استفاده از این دو ابزار، به دنبال ایفای نقش بود اما نمی‌خواست که بازیگران اصلی آن دوره جهان عرب با توجه به نزاع‌ها و رقابت‌هایی که بین جریان پان عربیسم و جریان سنتی وجود داشت، تفوق کامل را بدست بیاورند. این سیاست عربستان حتی در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ادامه داشت. عربستان در طول جنگ ابتدا با ترس از انقلاب ایران سیاست محافظه کاری را ادامه داد و شورای همکاری خلیج فارس را به همراه سایر شیخ نشین‌های این منطقه ایجاد کرد و پس از آزادسازی خرمشهر حمایت‌های مالی خود را از عراق بیش از گذشته کرد. با پایان جنگ، عربستان روال گذشته خود را ادامه داد اما وقوع تحولات بهار عربی یک تغییر پارادایمی در سیاست خارجی این کشور ایجاد کرد.

بهار عربی و سیاست تهاجمی عربستان

بهار عربی از رویدادهای مهم تاریخ منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود که عربستان نقش مهمی در آن ایفا کرد. علل تهاجمی شدن دولت سعودی در بهار عربی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- گسترش اسلام سیاسی و رسیدن انقلاب‌های عربی به شبه جزیره عرب (بحرین و یمن)
- افزایش موج‌های دموکراسی خواهانه در منطقه خاورمیانه و محکومیت حکومت‌های پادشاهی و اقتدار گرایانه
- حمایت ایران از انقلاب‌ها در مصر، تونس، یمن، بحرین و ...
- همراهی برخی از کشورهای شورای همکاری با موج انقلاب‌ها (برای نمونه قطر)

این موارد و موارد دیگر باعث شد که عربستان سعودی سیاست محافظه کاری را در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ به طور کامل کنار بگذارد و با اتخاذ سیاست تهاجمی و تقابلی به مقابله با این خیزش‌ها بپردازد.

واکنش‌های عربستان به موج بهار عربی

موج بهار عربی باعث شد که عربستان با دید تهدیدی به این تحولات بنگرد و سیاست تهاجمی در قبال تحولات اتخاذ کند؛ در ادامه، این موضوع توضیح داده می‌شود.

مداخله نظامی - امنیتی در بحرین: با تشدید قیام مردم بحرین علیه خاندان آل خلیفه و گسترش اعتراضاتی که این رژیم را در آستانه سقوط قرار می‌داد، عربستان سعودی در قالب عملیات نظامی- امنیتی وارد بحرین شد و در مسائل جاری مداخله فعال کرد. عربستان در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ در قالب سپر جزیره با همکاری امارات، ۱۵۰۰ نیروی نظامی به جزیره کوچک بحرین اعزام کرد. پس از آن با درخواست عربستان، اردن هم نیروی نظامی به عربستان اعزام کرد که در نهایت با دستگیری، کشتار و تبعید موج اولیه خیزش انقلاب فوریه مردم بحرین کنترل شد.

حمایت از معترضین و گروه‌های رادیکال در سوریه: عربستان در چرخش ۱۸۰ درجه‌ای از معترضین در سوریه حمایت کرد و به دنبال ساقط کردن حکومت بشار اسد بود. عربستان اسد را در راستای محور مقاومت تعریف می‌کرد و سقوط وی را به عنوان چالشی بزرگ و در نهایت تضعیف ایران ارزیابی کرده بود. در نتیجه با حمایت از اسلام گرایان تندرو و سایر گروه‌های تروریستی به دنبال ساقط کردن بشار اسد بود. این سیاست عربستان تا فتح حلب و شکست گروه تروریستی جیش السلام در غوطه شرقی دمشق ادامه داشت. در نهایت عربستان که خود را بازنده در این جنگ می‌دید از سال ۲۰۱۸ سیاست خود را در قبال دولت سوریه تغییر داد.

مداخله نظامی در یمن: یمن به عنوان عمق استراتژیک عربستان سعودی تعریف می‌شود و همواره عربستان به این کشور به عنوان برادر بزرگتر می‌نگریست. رسیدن موج انقلابی به یمن و متزلزل شدن متحد عربستان در یمن یعنی علی عبدالله صالح معدوم، باعث شد که این کشور به سرعت به دنبال فروکش کردن خیزش مردم یمن باشد. سرانجام براساس معاهده ریاض، معاون عبدالله صالح را بدون برگزاری انتخابات به عنوان رئیس جمهور معرفی کرد. ناکارآمدی وی و آغاز مجدد خیزش انقلابی در یمن و قدرت گرفتن انصارالله در این کشور باعث شد که عربستان این تحولات را به عنوان تهدید بزرگ برای خود تعریف کند و در ۲۵ مارس سال ۲۰۱۵ برابر با ۶ فروردین سال ۱۳۹۴ عربستان سعودی با تشکیل ائتلاف رهبری و بر عهده گرفتن این ائتلاف به یمن حمله کرد و به دنبال آزادسازی صنعا بود. با وارد شدن به سال نهم جنگ و ناکامی عربستان، اکنون این کشور به دنبال صلح و پذیرش انصارالله به عنوان یک قدرت اصلی در یمن است.

حمایت از کودتای السیسی در مصر: در مصر، عربستان سعودی از کودتای السیسی حمایت کرد و اخوان المسلمین را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد. این امر باعث شد که بسیاری گروه‌های اسلام‌گرا با دید شک و تردید به عربستان سعودی نگاه کنند.

تحریم و محاصره قطر: عربستان سعودی و قطر به عنوان دو رقیب اصلی در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌آمدند. با وجود همکاری این دو کشور در برخی از پرونده‌های بین‌المللی، اما در برخی پرونده‌ها در رقابت و تضاد با یکدیگر قرار گرفتند. عربستان بعد از سقوط قذافی از ارتش ملی به رهبری خلیفه حفتر حمایت می‌کرد در حالی که قطر از دولت اخوانی الوفاق حمایت کرد. در مصر قطر از دولت اخوانی محمد مرسی حمایت کرد و عربستان از کودتای السیسی حمایت کرد. در بحرین قطر سیاست بی‌طرفی توأم با حمایت از اعتراضات در پیش گرفت درحالی که عربستان به سرکوب اعتراضات همت گماشت. سرانجام عربستان قطر را متهم به حمایت از جریان‌های اسلام‌گرا در درون کشورهای شورای همکاری و همکاری با ایران جهت ضربه زدن به منافع این کشورها معرفی کرد و در ۵ ژوئن سال ۲۰۱۷ عربستان به همراه سه کشور(امارات، بحرین و مصر) قطر را محاصره و تحریم کرد. حمایت ایران و ترکیه باعث شکست این محاصره و تحریم شد و از سال ۲۰۱۹ بار دیگر روابط عربستان با قطر عادی‌سازی شد.

قطع روابط با ایران و ماجرای سفارت: عربستان سعودی در سال ۱۳۹۴ در یک اقدام غیرمنطقی به بهانه اعتراض جلوی سفارت این کشور در تهران در پی واکنش به اعدام آیت‌الله نمر، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. این امر موجی از اقدامات رسانه‌ای و سیاسی علیه ایران توسط دولت سعودی و همپیمانان خود را در پی داشت. سرانجام بعد از سال‌ها خصومت با ایران با وساطت عراق و سرانجام طرح امنیتی چین، عربستان روابط خود را با ایران عادی کرد.

دلارهای نفتی تأمین امنیت نمی کند

عربستان سعودی بعد از تحمل شکست‌های مختلف در طول بهار عربی و ناکارآمدی در ساقط کردن دولت اسد در سوریه، شکست در جنگ یمن و تبدیل شدن جنگ یمن به باتلاق برای این کشور، تثبیت وضعیت دولت شیعی در عراق، خروج امریکا از افغانستان و در نهایت تحولات جاری در نظام بین‌الملل و قدرت گرفتن چین، به دنبال کاهش تنش در منطقه خاورمیانه و بازگشت به سیاست‌های پیش از ۲۰۱۱ است.

عربستان در یک اقدام اشتباه و بدون پشتوانه و صرفاً با تکیه بر توانایی‌های مالی و نادیده گرفتن سایر ارکان اصلی قدرت، وارد کارزار بهار عربی شد که در نهایت شکست‌هایی را برای این رژیم در پی داشت. به این منظور از سال ۲۰۲۰ عربستان در پی بازگشت به دوران قبل از سال ۲۰۱۱ و تحولات بهار عربی و حمایت از تروریست‌ها برآمد. بدین منظور روابط خود را با دولت شیعی عراق گسترش داد و قراردادهای تجاری با این کشور منعقد کرد و عراق را به عنوان میانجی بین ایران و عربستان پذیرفت. روابط خود را با قطر عادی کرد و پس از ۱۲ سال خصومت با دولت اسد، حال به دنبال احیای روابط با این کشور است.

همچنین عربستان به دنبال دعوت از بشار اسد جهت حضور در نشست اتحادیه عرب در ریاض است. در یمن، عربستان در نهایت چاره‌ای جز صلح و پذیرش انصارالله به عنوان یک قدرت مهم در یمن ندارد و مذاکرات مختلفی را با این کشور در پیش گرفته است. عربستان که از زمان بن سلمان به دنبال کشاندن جنگ به داخل ایران بود، سرانجام این را پذیرفت که نمی‌تواند ایران را از بین ببرد و بعد از چند دور مذاکرات، سرانجام با وساطت چین روابط خود را عادی‌سازی کرد و با دعوت از رئیس جمهوری اسلامی ایران به دنبال عادی‌سازی روابط با ایران است. از سویی دیگر عربستان با درک تغییرات جاری در نظام بین‌الملل به دنبال تعادل در روابط خارجی خود بین شرق و غرب است. سرانجام عربستان با عبور از ۱۲ سال تنش آفرینی در منطقه به این درک رسیده است که دلارهای نفتی تأمین امنیت نمی‌کند و امنیت در منطقه از طریق گفت‌وگو و درک متقابل حاصل می‌شود.

> عربستان سعودی بعد از تحمل شکست های مختلف در طول بهار عربی و ناکارآمدی در ساقط کردن دولت اسد در سوریه، شکست در جنگ یمن و تبدیل شدن جنگ یمن به باتلاق برای این کشور، تثبیت وضعیت دولت شیعی در عراق، خروج امریکا از افغانستان و در نهایت تحولات جاری در نظام بین المللی و قدرت گرفتن چین، به دنبال کاهش تنش در منطقه خاورمیانه و بازگشت به سیاست های پیش از ۲۰۱۱ است